



نکات ترجمه:

فهرست

- | | |
|--|---|
| <p>۱۱. فعل داشتن</p> <p>۱۲. عدد</p> <p>۱۳. اسم اشاره</p> <p>۱۴. موصول</p> <p>۱۵. صلّه، جمله وصفیه و جمله حالیه</p> <p>۱۶. فعل مجهول</p> <p>۱۷. فعل هست</p> <p>۱۸. جملات شرطی</p> <p>۱۹. کلمه فقط</p> <p>۲۰. مضارع منصوب با حرف <u>أن</u></p> | <p>۱. زمان فعل</p> <p>۲. ترکیب وصفی</p> <p>۳. مفرد و جمع</p> <p>۴. ضمائر متصل</p> <p>۵. اسم تفضیل</p> <p>۶. اسم معرفه یا نکره</p> <p>۷. جمله استثناء</p> <p>۸. فاعل</p> <p>۹. مفعول مطلق نوعی و تأکیدی</p> <p>۱۰. کثیراً (مفعول مطلق)</p> |
|--|---|

۱. زمان فعل

- | | |
|---|---|
| <p>۵- مضارع: می رود ← یذهب</p> <p>۶- مضارع التزامی: برود ← لیذهب</p> <p>۷- مستقبل: خواهد رفت ← سوف یذهب</p> | <p>۱- ماضی ساده: او رفت ← ذهب</p> <p>۲- ماضی نقلی: او رفته است ← قد ذهب</p> <p>۳- ماضی بعید: او رفته بود ← کان قد ذهب</p> <p>۴- ماضی استمراری: او می رفت ← کان یذهب</p> |
|---|---|

۱- ماضی ساده: (ذهب)

هو ذهب: رفت	هی ذهب: رفت	انت ذهب: رفتی	انت ذهب: رفتی	أنا ذهب: رفتم
هما ذهبا: رفتند	هما ذهبتا: رفتند	انتما ذهبتما: رفتید	انتما ذهبتما: رفتید	نحن ذهبن: رفتیم
هم ذهبوا: رفتند	هن ذهبن: رفتند	انتم ذهبتم: رفتید	انتن ذهبتن: رفتید	

۲- ماضی نقلی: {قد + ماضی}

قُلْتَ: گفתי (ماضی ساده) قُلْتَ: گفته ای (ماضی نقلی)

☑ **نکته الف:** ماضی ساده را می توان به صورت نقلی نیز ترجمه کرد ولی ماضی نقلی را نمی توان به صورت ماضی ساده ترجمه کرد.

☑ **نکته ب:** {قد} قبل از مضارع به معنی گاهی است: یَصِرُّ: ضرر می رساند قد یَصِرُّ: گاهی ضرر می رساند

☑ **نکته ج:** خیلی مهم: حرف لم که قبل از مضارع مجزوم می آید باعث می شود فعل مضارع، ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه شود:

لم یَعُدْ: برمی گردد لم یَعُدْ: برنگشت، برنگشته است

☑ **نکته د:** لَمَّا؛ اگر به معنای هنوز باشد مضارع را مجزوم می کند، و معنای آن را نیز به ماضی منفی نقلی تبدیل می کند:

لَمَّا نَصِلْ: هنوز نرسیده ایم

☑ * ولی اگر به معنای هنگامی که باشد تأثیری در اعراب و معنای فعل ندارد: لَمَّا نَصِلْ: هنگامی که می رسیم

☑ * البته لَمَّا اگر قبل از فعل ماضی آمده باشد فقط معنی (هنگامی که) می دهد

۳- ماضی بعید: {کان + قد + ماضی} مااند: کنتُ قد ذهبْتُ: رفته بودم

✓ **نکته ب:** اگر فعلی به خبر کان (فعل اول) معطوف شود آن فعل هم ماضی بعید ترجمه می شود:

کان المسلمون قد توصلوا الی هذه القضية و اكتشفوها : مسلمانان به این قضیه دست یافته بودند و آن را کشف کرده بودند.

خبر کان معطوف

✓ **نکته ج:** اگر خبر کان (فعل) باشد و بلافاصله بعد از **کان** بیاید، باید کان را مانند خبرش صرف کنیم؛ ولی اگر اسم کان بین آن ها فاصله بیاندازد کان صرف نمی شود:

✓ **سؤال:** مسلمین سمرقند را فتح کرده بودند؟ الف) کان المسلمون قد فتحوا سمرقند ب) المسلمون کانوا قد فتحوا سمرقند

۴- ماضی استمراری :

• در فارسی از ترکیب حرف **می** و بن ماضی ساخته می شود: { **می** + **گفت** }

• در عربی: { **کان** + **مضارع** } کنت اذهب: می رفتم

** به جرأت می توان گفت پرتکرار ترین **زمان** فعل در کنکور ماضی استمراری است.

۵- مضارع اخباری : (یا همان حال ساده)

باید در فارسی با حرف **می** ساخته شود:

✓ **سؤال:** هو یدافع عن الحق؟ الف) او مدافع حق است (**غلط**) ب) او از حق دفاع می کند (**درست**)

صرف ۱۴ صیغه یدهب:

هو یدهب: می رود	هی تذهب: می رود	انت تذهب: می روی	انت تذهبین: می روی	أنا أذهب: می روم
هما یدهبان: می روند	هما تذهبان: می روند	انتما تذهبان: می روید	انتما تذهبین: می روید	نحن نذهب: می رویم
هم یدهبون: می روند	هن یدهبن: می روند	انتم تذهبون: می روید	انتن تذهبن: می روید	

✓ **نکته الف:** برای منفی کردن مضارع از حرف **لا** استفاده می شود: لا یدهب: نمی رود

✓ **نکته ب:** دو باب از ثلاثی مزید (تفعل و تفاعل) همیشه تاء زائد دارند، این باعث می شود شما **ماضی** آن ها را اشتباهاً مضارع بدانید (تفعل و تفاعل)

✓ **سؤال:** مثلاً: تحمّل العلماء مصاعب كثيرة؟ الف) دانشمندان مشکلات زیادی را تحمل می کنند (**غلط**)

ب) دانشمندان مشکلات زیادی را تحمل کردند (**درست**)

۶- مضارع التزامی : مضارعی که با حرف **می** شروع نمی شود : مانند: بروم ، روم

** در حالات زیر فعل، مضارع التزامی ترجمه می شود :

۱. امر یا نهی : مانند: دافعوا عن المظلوم: از مظلوم دفاع کنید. لا تصاحبوا الأشرار: با بدان هم نشینی نکنید.

✓ **نکته:** در اکثر باب های ثلاثی مزید حرکت عین الفعل در ماضی فتحه و در امر کسره است:

مثلاً: دافعوا: دفاع کردند (ماضی) دافعوا: دفاع کنید (امر)

✓ **نکته:** در امر و نهی غایب و متکلم باید از لفظ **باید** و **نباید** استفاده شود: لنعلم: باید بدانیم لانغفل: نباید عفلت کنیم

☑ **نکته:** حرف جر **علی** و فعل **یَجِبُ** نیز به معنای **باید** هستند:

علیک التذییر: تو باید تدبیر کنی یَجِبُ عَلَیْنَا أَنْ نُحَافِظَ ... : ما باید از ... محافظت کنیم

علیک ان تَدبِر: تو باید تدبیر کنی (حرف **علی** وقتی معنای **باید** می دهد با حرف ناصبه **ان** قرین می شود)

۲. **مضارع های منصوب با حروف ناصبه به استثناء حرف لَن :**

اُنْ : که	حتی :	تا اینکه	لِ : برای - تا	کی - لَکی :	تا
-----------	-------	----------	----------------	-------------	----

مانند: خُلِقَ الْاِنْسَانُ اَنْ یَعْبُدَ رَبَّهُ : انسان آفریده شد که پروردگارش را بپرستد.

☑ **نکته:** خبر لیت (ای کاش) و **لعل** (شاید) : مانند: لیته یدهبُ : ای کاش او برود لَعَلَّهُمْ یتذکرون : امید است (شاید) یاد کنند

۳. **در جملات شرطی :** همیشه فعل شرط هرچه که باشد حتی ماضی، به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. (البته در حد دبیرستان اینطوریه)

ادوات شرط:	اِنْ : اگر	ما: هرچه	اَیْنَمَا: هر کجا	مَهْمَا: هرچه	مَنْ: هر کس	اِذَا: هرگاه
------------	------------	----------	-------------------	---------------	-------------	--------------

مثلاً، فعل کان به معنای (بود) است اما در یک جمله شرطی به زمان مضارع ترجمه می شود

اِنْ کانَ الْاِنْسَانُ بسیطاً ید کثر رزقه: اگر انسان بخشنده باشد روزیش افزون می شود

☑ **نکته:** اما حرف شرط **لو**، اگر فعل شرطش ماضی باشد، همان ماضی ترجمه می شود: لو کانَ... : اگر بود

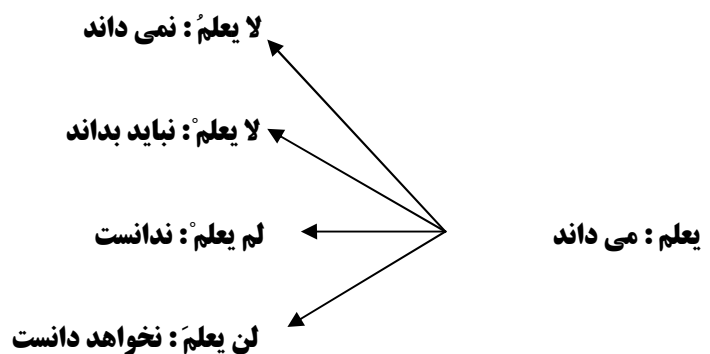
۷- **آینده (مستقبل) :**

** با حروف **س** یا **سوف** قبل از مضارع ساخته می شود : یدهبُ : می رود سیذهبُ : خواهد رفت سوف یدهبُ : خواهد رفت

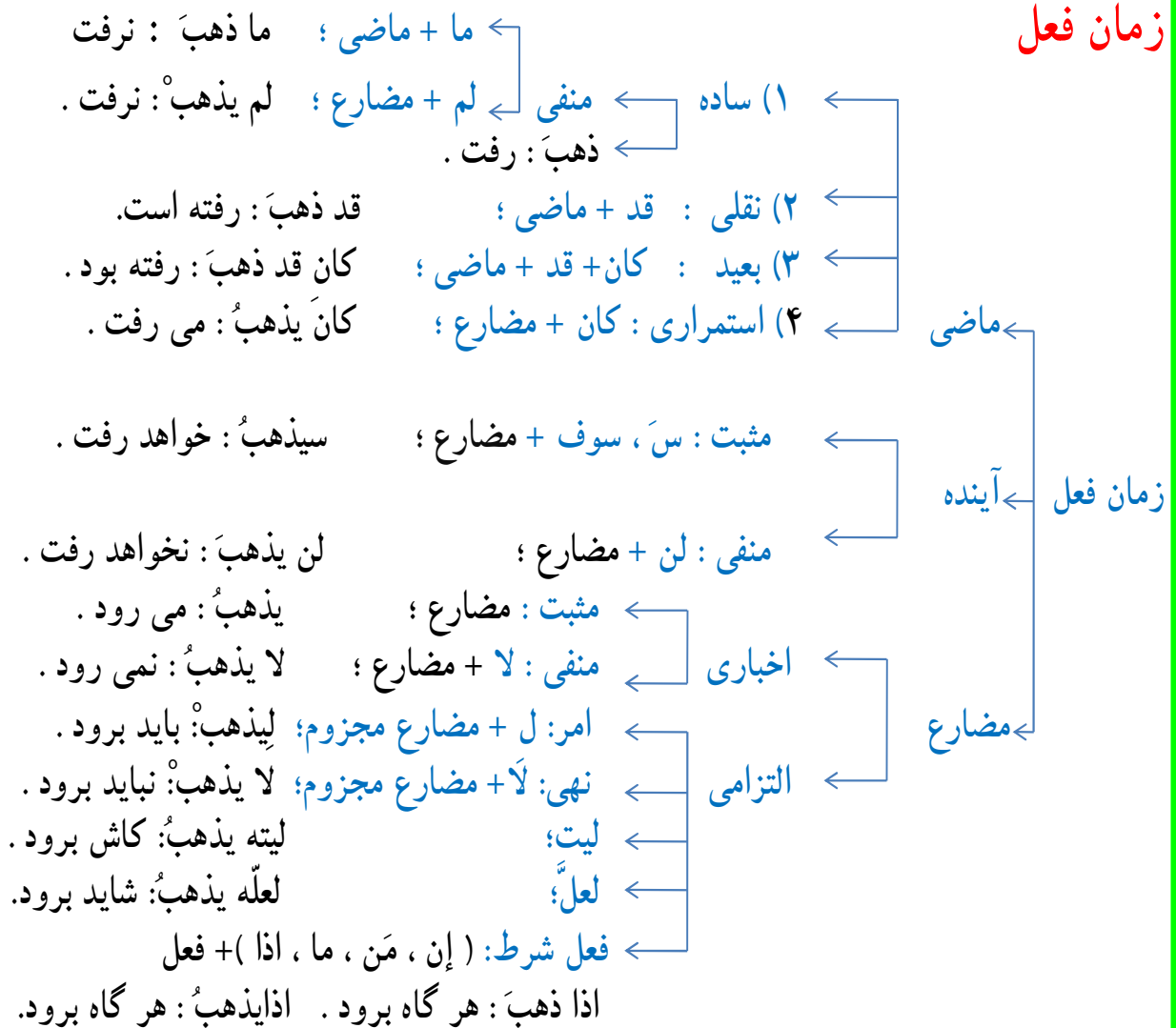
☑ **نکته:** **لَن** : حرف ناصبه ای است که قبل از مضارع منصوب می آید و باعث می شود فعل **آینده منفی** ترجمه شود:

لن یدهبُ : هرگز نخواهد رفت

☑ **نکته:** دو کلمه معنی هرگز می دهند: **لن** و **ابدأ**



زمان فعل



۲. ترکیب وصفی

نکته: در فارسی صفات جمع بسته نمی شوند. مثلاً نمی گوئیم برگ های سبزها

سؤال: کدام جمله درست است؟ العلماء المسلمون ؛ الف) دانشمندان مسلمان ✓
ب) دانشمندان مسلمانان

صفت

حالا اگر المسلمون ، مضاف الیه باشد، ترجمه تغییر می کند؛ علماء المسلمین: دانشمندان مسلمانان

نکته: گاهی ترکیب وصفی اضافی است، یعنی بین موصوف و صفت، مضاف الیه واقع شده است.

سؤال: قطرات الماء الصغيرة؟
۱- قطره های کوچک آب ✓
۲- قطره های آب کوچک موصوف صفت

در عبارات بالا اعراب الصغيرة و جنس آن با قطرات هماهنگ است؛ و قطرات به علت مضاف شدن ال نگرفته است.

حال فرض کنید: قطرات الماء الطاهر:

۱- قطره های پاک آب

۲- قطره های آب پاک ✓

در اینجا جنس و اعراب الماء و الطاهر یکی است بنابراین الطاهر صفت الماء است.

✓ **نکته:** اسم های منسوب {اسم هایی که یاء نسبت (ی) } گرفته اند غالباً صفت هستند و در فارسی نیز با همان پسوند ی ترجمه می شوند.

مانند: المفاهیم القرآنیة : ۱- مفاهیم قرآن ۲- مفاهیم قرآنی ✓

*** نباید این اسم ها را نکره فرض کنید.

۳. مفرد و جمع

سعی کنید زیر تمام کلمات جمع در جمله عربی خط بکشید. اگر آنها مفرد ترجمه شوند غلط رخ داده است.

سؤال: کدام ترجمه درست است؟

۱- إِنَّهُ لَمْ يَعْمَلْ بِوَعْدِهِ ← او به تعهداتش عمل نکرد

۲- لَا نَنْسِي تَضَحِيَّاتِ الشَّهَدَاءِ ← ما فداکاری شهیدان را فراموش نمی کنیم

۳- فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ لَانْجِدَهَا ← در اعماق دریاها آن را نمی یابیم

۴- لَا يُعْرِفُ فِي ظِلْمَاتِ اللَّيْلِ ← در تاریکی شب او شناخته نمی شود

✓ جواب: هیچکدام درست نبود: ۱- تعهدش ، ۲- فداکاری ها ، ۳- دریا ، ۴- تاریکی ها

۴. ضمائر متصل

زیر تمام ضمائر متصل خط بکشید، و ترجمه آنها را رصد کنید ولی ضمائر منفصل اگر ترجمه نشده باشند هم مهم نیست.

✓ **نکته:** اگر ضمیر متصل ترجمه نشود اشتباه رخ داده است: لایشغله مقامه بالدنيا: مقام او را به دنیا مشغول نمی کند

غلط

ترجمه درست: مقامش او را مشغول به دنیا نمی کند

✓ **نکته:** گاهی از ضمیر مناسب استفاده نمی شود. (در تعریب ها) او با ناراحتی نزد پدرش رفت: ذهب الی أبيه حزينة

غلط

حزينة و ذهب نشان می دهند او جنس مؤنث است؛ پس باید گفته شود: ذهب الی ابیها حزينة (با ذهب الی أبيه حزیناً)

تو می دانی که قدرتت زیاد نیست: انت تعلم أن قدرتك لیست كثيرة

غلط

تعلم: مضارع مذکر است پس باید می گفت: قدرتك

۵. اسم تفضیل

اسم تفضیل بر وزن أفعَل و فَعْلَى نوشته می شود و حتماً حتماً باید با قو و قوین ترجمه می شود.

مثلاً: أخطر: خیلی خطرناک ، خطرناک ترین

غلط

✓ **نکته:** اگر با حرم من قرین شود باید با قو ترجمه شود: إِنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْآخِرِينَ: او برتر از دیگران است

✓ **نکته:** اگر با تمییز قرین شود باید تمییز به صفت تفضیلی تبدیل شود. أعلى درجة ← بلند مرتبه ترین اکثر صبراً ← صبورترین

✓ **نکته:** اگر مضاف باشد باید به شکل مضاف و اگر صفت باشد دقیقاً باید صفت ترجمه شود.

أخطر الامراض: خطرناک ترین بیماری ها أكثر الحزم: بیشترین احتیاط

المرض الأخطر: بیماری خطرناک تر حتماً اکثر: احتیاط بیشتر

۶. اسم معرفه یا نکره

اسم نکره، باید با علائم نکره ترجمه شود یعنی پیشوند **یک** و یا پسوند **ی**.

عرفنی **رجل** ← یک مرد مرا شناخت: مردی مرا شناخت **تَعَلَّمْتُ مَبَاحِثَ كَثِيرَةً** ← مباحث زیادی را آموختم

مخصوصاً زمانی که اسم نکره به وسیله یک فعل یا جمله اسمیه (جمله وصفیه) توصیف شود.

مانند: هذه مسألة لا تُقْبَلُ: این مسأله ای است که قبول نمی شود **(درست)** و این مسأله قبول نمی شود **(غلط)**

جمله وصفیه

۷. جمله استثناء

در جملات استثناء مفرغ (جملات ناقص) می توان فعل منفی را مثبت؛ به شرطی که حرف **إِلَّا** را **فقط** ترجمه کرده باشیم.

لا تعبدوا إلا الله: فقط خدا را پرستید

اما باید به جای کلمه **فقط** دقت کنید، کلمه **فقط** دقیقاً قبل از مستثنی قرار می گیرد.

ما كَرَّمَنِي إِلَّا الشَّيْخُ: ۱- پیرمرد **فقط** به من احترام گذاشت **(غلط)** ۲- فقط پیرمرد مرا گرامی داشت **(درست)**

☑ **نکته:** البته جملات غیر مفرغ را نمی توان به این سبک ترجمه کرد.

۸. فاعل

به جملات زیر دقت کنید.

☑ **نکته:** أَلْجَأَتْهُ الْمَشَاكِلُ: ۱- مشکلات او را وادار کرد **(درست)** ۲- او به مشکلات رو کرد **(غلط)**

فاعل

☑ **نکته:** لا تبكون له: ۱- برای او گریه نمی کنید **(درست)** ۲- برای او نمی گریند **(غلط)**

☑ **نکته:** لا نعرف أحداً: ۱- کسی را نمی شناسیم **(درست)** ۲- کسی را نمی شناسم **(غلط)**

☑ **نکته:** وَفَقِنِي صَدِيقِي: ۱- دوستم مرا توفیق داد **(درست)** ۲- من دوستم را پیروز کردم **(غلط)**

☑ **نکته:** تَعَلَّمْتَهُ: ۱- تو از او آموختی **(درست)** ۲- او از تو آموخت **(غلط)**

☑ **نکته:** ضمائر هم، هما، هن، ك، كما، کم، كِ، كما، كُنْ، ي، نا وقتی به فعل متصل می شوند مفعول به هستند.

☑ **نکته:** ضمیر **نا** فقط زمانی فاعل است که به فعل ماضی متصل شده باشد و حرف ما قبل نیز مسکون باشد. مانند: عَلَّمْنَا

يُعَلِّمُنَا: به ما می آموزد عَلَّمْنَا: ما آموختیم (یاد دادیم) عَلَّمْنَا: به ما یادداد

۹. مفعول مطلق نوعی و تأکیدی

مفعول مطلق تأکیدی، با عباراتی «مانند، حتماً، قطعاً» ترجمه می شوند. کَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا: خداوند قطعاً با موسی سخن گفت

☑ **نکته:** مفعول مطلق: مصدر همان فعل جمله است که بدون صفت و مضاف الیه می آید.

مفعول مطلق نوعی: اگر با مضاف الیه همراه شود؛ «مانند، همچون» ترجمه می شود.

يعيشُ البخيلُ في الدنيا عيشةً الفقراء: بخیل مانند فقیران در دنیا زندگی می کند.

م. نوعی مضاف الیه

☑ **نکته:** مفعول مطلق نوعی: مصدر فعل جمله است که با صفت یا مضاف الیه قرین می شود

۱۰. كثيراً (مفعول مطلق) = بسیار (درست) بسیاری (غلط)

اگر كثيراً در نقش مفعول مطلق آمده باشد نباید به صورت صفت ترجمه شود.

۱- نماز شب زیادی را برپا می داشتند (غلط) کانو یقیمون صلاة اللیل كثيراً:

۲- نماز شب را زیاد برپا می داشتند (درست)

۱- امروز افراد کوشای بسیاری موفق می شوند (غلط) الیوم ینجح الساعون كثيراً:

۲- امروز افراد کوشا بسیار موفق می شوند (درست)

۱۱. فعل داشتن

فعل دارد در عربی وجود ندارد بلکه حرف جر (لِ) و ظرف (عند) اینطور ترجمه می شوند.

لَه بنتٌ: او یک دختر دارد عندنا دواءٌ: ما داروئی داریم لنا دارٌ: ما یک خانه داریم

اگر فعل **كان** قبل از **عند** یا **لِ** بیاید فعل **داشت** ساخته می شود. كان للمسلمین دور مهمٌ: مسلمانان نقش مهمی داشتند

۱۲. عدد

عدد ۱ و ۲ همیشه صفت است بنابراین اول موصوف می آید بعد عدد. یک: واحد، واحدة دو: اثنان، اثنتان

مثل: یک روز: یومٌ واحدٌ یک مدرسه را ساختیم: بَنینا المدرسة الواحدة

دو آهو شکار کردم: صِدْتُ الظبیین الاثنین دنیا دو روز است: الدنیا یومانِ اثنانِ

☑ **نکته:** عددهایی که در فارسی با پسوند **م**، **مین** می آیند در عربی نقش صفت را دارند و می توانند **ال** می گیرند. این اعداد به جز کلمه **الأول: یکم** مابقی همگی بر وزن **فاعل** نوشته می شوند.

الاول	الثانی	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادی عشر	الثانی عشر
یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

در کتاب سوم صفحه دهم برای بار نهم این مطلب را دیدم.

شاهدتُ هذا الأمر فی کتاب الثالث فی الصفحة العاشرة للمرة التاسعة

ثلاث	اربع	خمس	ست	سبع	ثمانی	تسع	عشر	أحد عشر	اثنا عشر
سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

اما عددهای اصلی

☑ **نکته:** این عددها هرگز **ال** و **تنوین** نمی گیرند.

☑ **نکته:** معدود آنها نیز **ال** نمی گیرد.

☑ **نکته:** عدد ۳ تا ۱۰ + معدود (جمع و جور (منظور مجرور)) شش معلم: ستة معلمین

مخالف جنس معدود ستّ معلمات

☑ **نکته:** عدد ۱۱ و ۱۲ + معدود (مثل تمییز مفرد و منصوب) دوازده معلم: اثنا عشر معلماً

هم جنس معدود اثنتا عشرة معلمة

☑ **نکته:** کلمه **أحد** و **عشر** در ۱۱ و ۱۲ همیشه مبنی بر فتح است: أحد عشر تلميذاً

۱۳. اسم اشاره

هَذَا وَهَذِهِ: این هَؤُلَاءِ: اینان ذَلِكْ وَتِلْكَ: آن أُولَئِكَ: آنان

✓ **نکته:** اگر اسم اشاره قبل از اسم معرفه به **ال** قرار بگیرد باید مفرد ترجمه شود: مانند هَؤُلَاءِ الْمُعَلِّمُونَ: این معلم ها

اما اگر مشارالیه (اسمی که بعد از اسم اشاره آمده) **ال** نداشته باشد اسم اشاره همان چیزی که هست، ترجمه می شود.

هَؤُلَاءِ مُعَلِّمُونَ: ۱- اینها معلم هستند هَذِهِ مَسَائِلٌ: اینها مسائلی هستند

۲- اینها معلمان هستند

اجازه بدید یه جور دیگه بگم

اگه اسم اشاره با اسم ال دار بیاد، مجبوریم تو ترجمش بعد اون اسم که ال داره، مکث کنیم مثلاً: (هَؤُلَاءِ الْمُعَلِّمُونَ مَثَالِيُونَ)

ترجمه غلط: اینها، معلم های نمونه هستند

ترجمه درست: این معلم ها، نمونه هستند

و اگه اون اسم ال نداشته بعد اسم اشاره مکث کنید

هَؤُلَاءِ مُعَلِّمُونَ مَثَالِيُونَ: این ها، معلم های نمونه ای هستند

هَذِهِ الشَّجَرَةُ بَاسِقَةٌ: ۱- این درخت بلند ۲- این درخت بلند است ✓

۱۴. موصول

✓ **نکته:** موصولات غالباً **که** یا **کسی که**، چیزی که ترجمه می شوند.

✓ **نکته:** اگر موصول، **که** ترجمه شود باید اسم ما قبل موصول معرفه باشد: الرجل الذي رجل الذي

غلط

درست

✓ **نکته:** اسمی که قبل از موصول خاص قرار می گیرد نکره ترجمه می شود.

هَذَا الْمُعَلِّمُ الَّذِي عَلَّمَنِي: این معلمی است که به من آموخت

مثل نکره ترجمه شده

کتاب هایی که تألیف شده نفیس هستند: (الف) كُتِبَ التِّي أَلْفَتْ قِيَمَةَ (غلط) (ب) الكُتُبُ التِّي أَلْفَتْ قِيَمَةَ (درست)

۱۵. صله، جمله وصفیه و جمله حالیه

حال مفرد (اسم مشتق نکره منصوب)، بیشتر اوقات با حرف (با) ترجمه می شود.

اندفع الأبناء إلى الجبهات متوكلين على الله: فرزندان به سوی جبهه ها با توکل به خدا روانه شدند.

حال مفرد

اما اگر قرار شد از فارسی به عربی بنویسیم **حال** مفرد باید هم جنس و عدد ذوالحال (اسم معرفه ای که غالباً فاعل یا مفعول جمله) باشد.

مثلاً: معلم با علاقه به درس تدریس می کند: المعلمة تُدَرِّسُ والعالمات لدرسهها. کلمه درست ← والعامة

غلط

✓ **نکته:** صله (موصول + فعل)

جمله وصفیه (اسم نکره + فعل)

جمله حالیه (وقد ماضی)

(... اسم معرفه + مضارع)

صله ، جمله و صفيه و جمله حالیه اگر بعد از فعل ماضی بیابند در زمان خودشان ترجمه نمی شوند.

ماضی ماضی

ماضی مضارع

ماضی استمراری

ماضی بعید یا ساده

صله: زُرْتُ صَدِيقِي الَّذِي أُصِيبَ بِالْمَرَضِ: دوستم را که دچار بیماری شده بود ملاقات کردم.

ماضی ماضی ماضی بعید

حال: خَرَجَ الْمَعْلَمُ وَ قَدْ أَتَمَّ دَرَسَهُ: معلم در حالیکه درس خود را تمام کرده بود (تمام کرد) بیرون رفت.

ماضی ماضی ماضی بعید ماضی ساده

حال: وَاجَهَ الرَّجُلُ صَدِيقَهُ يَمْطُرُ: مرد با دوستش برخورد کرد در حالیکه باران می بارید.

ماضی مضارع ماضی استمراری

و صفيه: كَتَبْتُ كَلَامَ عَالِمٍ يَتَحَدَّثُ فِي النَّدْوَةِ: سخن دانشمندی که در همایش حرف می زد را نوشتم.

ماضی مضارع ماضی استمراری

۱۶. فعل مجهول

فعل مجهول باید با فعل نشد یا می شود ترجمه شود.

ساختار فعل مجهول (ماضی: فُعِلَ) و (مضارع: يُفْعَلُ)

قد أُسِّسَ هَذَا الْبِنَاءُ: ۱- این بنا را تأسیس کرده است (غلط) ۲- این بنا تأسیس شده است (درست)

لَا يُقْبَلُ هَذَا الْأَمْرُ: ۱- این امر را قبول نمی کند (غلط) ۲- این امر قبول نمی شود (درست)

۱۷. جملات شرطی

در ترجمه جملات شرطی ۳ مطلب مهم وجود دارد: ۱) ترجمه ادوات شرط ۲) ترجمه فعل شرط ۳) ترجمه جواب شرط

ادوات شرط: اکثراً با حرف هر ترجمه می شوند.

مَنْ إِذَا مَهْمَا لَوْ مَا أَيْنَمَا إِنْ

هرکس هرگاه هرچه اگر هرچه هرکجا اگر

ترجمه فعل شرط: فعل شرط باید مضارع التزامی ترجمه شود مگر برای کلمه (لو)

مَنْ طَلَبَ الْعَلِيَّ سَهَرَ اللَّيَالِي: ۱- هرکس بزرگی را بخواهد شب بیداری می کشد (درست)

ماضی ماضی ۲- کسی که بزرگی خواست شب بیداری کشید (غلط)

لَوْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ لَهْدَاكُمْ اللَّهُ: اگر صادق بودید قطعاً خدا شما را هدایت می کرد.

ماضی ماضی

جواب شرط: جواب شرط عموماً مضارع اخباری ترجمه می شود اما اگر جواب شرط با حرف ف شروع شود همان زمانی که هست ترجمه می شود.

مَنْ يَتَّبِعِ الْقُرْآنَ فَلَنْ يَضِلَّ: هرکس از قرآن پیروی کند هرگز گمراه نخواهد شد.

جواب شرط

مَنْ ضَيَّعَ نِعْمَ اللَّهِ فَقَدْ كَفَّرَ رِبْهًا: هر کس نعمت های خدا را تباه کند قطعاً به آنها کفر ورزیده است.

۱۸. فعل هست

فعل **هست** در عربی وجود ندارد و برای ترجمه خبر مفرد (خبری که یک اسم باشد) استفاده می شود.

إِنَّهُ مُحَافٌ: او وکیل است هم الغالبون: ۱- آنها پیروز هستند (**درست**) ۲- آنها پیروز می شوند (**غلط**)

۱۹. کلمه فقط

إِنَّمَا وِإِلَّا در جملات مفرغ فقط ترجمه می شوند.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ: فقط مومنان برادر هستند. ما جاء إِيلاً عَلِيٌّ: فقط علی آمد

الْبَيْتَةُ تَأْكِيدٌ نَيْزٌ بِاللَّفْظِ **فَقَطٌ** مِي آيِد: اِيَاك نَعْبُدُ: فقط تو را مِي پَرَسْتِيْم

گاهی نیز خود کلمه فقط در عربی به کار می رود.

۲۰. مضارع منصوب با أن

مضارعی که با حرف **أن** منصوب شده است را می توان به صورت **مصدر** ترجمه کرد.

أَحَبُّ **أَنْ** أَدْرِسَ: دوست دارم که درس بخوانم ، درس خواندن را دوست دارم.

مصدر

۲۱. ترجمه بعضی از حروف و اسامی

شاید: لعل، ربُّما	آنگاه: حينئذٍ	گاهی: قد	به ندرت: قلماً	هرگز: ابدأ	لأنَّ: زیرا	سرانجام، بالاخره: أخيراً
معمولاً: عادةً	حتی اگر: وَ إِنْ	کاش: ليت	امیدوارم: أرجو	ناگهان: فجأةً	چه بسا: رَبُّ، عسى	
ناچار: لا بُدَّ	همیشه: دائماً	پایانی: آخرٍ	امید است: عسى	دیگری: غير، آخر، أخرى، سائر	در آن هنگام: عندئذٍ	
یا: أم، أو	مثل: امروز یا فردا: اليوم أم غداً	هنگامی که: اذا، حين، لما، عندما، بينما	مثل: ك، كأنَّ	مانند: تو مثل دریایی: انت كبحرٍ		
همه: جمیع. «كل + اسم جمع» مانند: كل الايام: همه روزها	هر: كل + اسم مفرد مانند: كل يوم: هر روزی	بعضی: بعض «من + اسم» مانند: من العلماء: برخی از دانشمندان	هناك + فعل = آنجا	هناك + اسم = وجود دارد	كان هناك = وجود داشت	